

حاشیه‌نشینی معضل تهران و کلانشهرها

www.ketab.ir

مؤلف: رضا خدري

استاد دانشگاه آزاد اسلامی

سرشناسه : خدري، رضا / ۱۳۲۹
 عنوان و نام پديدآور : حاشيه نشيني معضل تهران و كلانشهرها / مؤلف: رضا خدري
 مشخصات نشر : گرگان: انتشارات نوروزي، ۱۳۹۴
 مشخصات ظاهري : ۱۰۲ ص.
 شابك : ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۴-۲۵۲-۲
 وضعیت فهرست نویسی : فبیای مختصر
 یادداشت : فهرستویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۴۲۷۵۴

حاشیه‌نشینی معضل تهران و کلانشهرها

مؤلف: رضا خدري

صفحه‌آرایی: زهرا خانی

طراح جلد: مژده عزت تبار

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۴

مشخصات ظاهري: ۱۰۲ ص

قطع: وزیری

شمارگان: ۳۰۰۰

شماره شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۴-۲۵۲-۲

چاپ و نشر: نوروزي-۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا(ع). ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸

دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail.com

سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

۱.....	مقدمه
۳.....	شهرنشینی در ایران
۹.....	فصل اول: در جستجوی هویت شهری، رویکردی نو به مسائل شهری
۱۰.....	تحلیلی پیرامون مجموعه جدید در جستجوی هویت شهری
۱۸.....	بعد اول: هویت محیطی - اکولوژیک
۱۹.....	بعد دوم: هویت اجتماعی - فرهنگی
۲۱.....	بعد سوم: هویت اقتصادی
۲۱.....	بعد چهارم: هویت کالبدی - فضایی
۲۳.....	نتیجه گیری
۲۷.....	فصل دوم: تعریف حاشیه‌نشینی و جالوها
۲۸.....	حاشیه‌نشینی
۳۰.....	ویژگی‌ها، خصوصیات و شرایط زیستی حاشیه‌نشینان
۳۱.....	پراکندگی جغرافیایی مکان‌های حاشیه‌نشینی
۳۱.....	چگونگی مسکن حاشیه‌نشینان
۳۲.....	ساختار جمعیتی مناطق حاشیه‌نشین
۳۲.....	وضعیت بهداشت و خدمات رفاهی حاشیه‌نشینان
۳۳.....	کیفیت آموزش و فرهنگ در جوامع حاشیه‌نشین
۳۳.....	چگونگی مشاغل در جوامع حاشیه‌نشین
۳۴.....	انتظارات حاشیه‌نشینان
۳۴.....	ارائه راهکار
۳۷.....	فصل سوم: تحلیل عوامل موثر اسکان غیر رسمی در ایران
۴۰.....	حاشیه‌نشینی
۴۰.....	اسکان غیر رسمی
۴۰.....	انواع سکونتگاه‌های غیر رسمی در ایران
۴۱.....	اسکان غیر رسمی در ایران
۴۳.....	عوامل تاثیر گذار در تشدید اسکان غیر رسمی
۴۳.....	طرح‌های شهری
۴۴.....	قوانین زمین شهری
۴۴.....	شهرهای جدید

راهکارها و سیاست های تکاملی ساماندهی اسکان غیر رسمی در ایران و جهان	۴۶
سیاست نادیده انگاری یا بی تفاوتی	۴۶
تحول در نظام اقتصادی - اجتماعی و ساختار جامعه	۴۷
سیاست تخریب و پراکنش	۴۸
ساخت مسکن اجتماعی یا مسکن متعارف	۴۸
ارائه زمین و خدمات	۴۹
آزاد سازی و تثبیت اقتصادی	۵۰
سیاست توانمند سازی	۵۰
ارتقای محیطی	۵۲
جمع بندی و نتیجه گیری	۵۲
فصل چهارم: چالش های اجتماعی حاشیه نشینی در ایران	۵۵
تاریخچه حاشیه نشینی در ایران	۵۶
حاشیه نشینی در کلانشهرهای استان ها	۶۱
حاشیه نشینی چالش اجتماعی	۶۷
حاشیه نشینی یا زاغه نشینی	۶۸
ویژگی های مناطق حاشیه نشینی	۶۹
دیگر ویژگی های حاشیه نشینی	۷۰
علل های حاشیه نشینی	۷۱
حاشیه نشینی: یک چالش اجتماعی	۷۲
تأثیر حاشیه نشین ها برای امنیت شهری	۸۰
جمع بندی	۸۰
پیشنهادات و راهبردها	۸۲
فصل پنجم: زنان در سکونتگاه های غیر رسمی	۸۵
توجه به زنان در حاشیه ها	۸۶
وضعیت زنان در حاشیه شهرها	۸۷
فصل ششم: نظریه های حاشیه نشینی	۸۹
(۱) دیدگاه های هالیبرالیستی	۹۰
(۲) دیدگاه ساختار گرایان	۹۰
بررسی و تحلیل حاشیه نشینی کلانشهر اهواز	۹۲
تاریخچه شکل گیری مکان	۹۲
وضعیت دموگرافیک محله امیر عرب	۹۲

۹۸.....	پیشنهادهات
۹۸.....	اعتیاد معضل اصلی حاشیه نشینی
۹۹.....	تعریف اعتیاد
۹۹.....	مواد اعتیادآور
۹۹.....	مراحل اعتیاد
۱۰۰.....	زبان های جانبی
۱۰۱.....	منابع و مآخذ

مقدمه

امروزه رشد حاشیه نشینی و سکونت مردم در آلودگی‌ها، سکونتگاه‌های غیرقانونی و غیر استاندارد و بافت فرسوده معضلی است که گریبانگیر مدیریت شهری و شهروندان شده، طبق آخرین آمار اعلام شده رسمی بیش از ۱۱ میلیون نفر در کشورمان در بافت‌های فرسوده زندگی می‌کنند و عده‌ای از هموطنان مان و مهاجرین بیگانه غیرقانونی نیز در حاشیه شهرها سکنی گزیده‌اند که آرامش مردم را مختل می‌سازند. و متأسفانه رواج فساد و توزیع مواد مخدر و بروز انواع خلاف‌ها، در این گونه امکان رشد فزاینده‌ای گرفته است.

برخی از محققان حاشیه نشینی را مترادف با محلات فقیرنشین می‌دانند و برخی دیگر، میان حاشیه نشینی و محله‌های فقیرنشین و گتوها و زاغه‌ها تفاوت قائل می‌شوند و معتقدند که مفهوم اول یعنی حاشیه نشینی، معمولاً ساخت و سازهایی را شامل می‌شود که به طور غیر قانونی، با تخلف از مقررات ساختمانی و یا در زمینی بدون اجازه صاحب آن احداث شده‌اند و در مقابل، محله‌های فقیرنشین بناهای پایدار هستند که از طریق مجموعه عواملی مانند سن بنا، مساحت کاری و متروکه شدن بنا و تقسیم آن به بخش‌های فرعی (که فشار زیادی را روی تسهیلات و تجهیزات اساسی بنا تحمیل می‌کنند) در وضعیت زیر استاندارد قرار گرفته‌اند.

حاشیه نشینی چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، مستقیماً متأثر از نحوه صنعتی شدن شهرها بوده است. در کشورهای توسعه یافته کنونی، ابتدا کارخانه‌ها به علت نیازشان به منابع آبی و امکانات حمل و نقل در درون شهر ایجاد شدند و به همین خاطر مهاجرین روستائی و طبقات فقیر شهری را به مرکز شهرها کشاندند. با انتقال کارخانه‌ها به بیرون شهرها و توسعه حومه نشینی برای طبقات متوسط و بالای جامعه، فقرا در مراکز شلوغ و کثیف شهری باقی ماندند تا آنچه ما امروزه از آن به عنوان "حاشیه نشینی" یاد می‌کنیم، نه در اطراف شهر، بلکه در مراکز شهرهای بزرگ پدید آمد. ولی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران که صنعت نه محصول توسعه درون‌زا، بلکه وارداتی بوده است، حاشیه نشینی از همان

آغاز به اطراف شهرها هدایت شد و مهاجرین وارد شده از روستاها و شهرهای کوچک به خاطر گران بودن زمین شهری در اطراف شهرها ساکن شدند.

به نظر منصوریان و آیت‌اللهی، حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در سکونتگاه‌های غیرمعارف با ساکنین بافت اصلی (شهر) زندگی می‌کنند، گروه‌های مزبور، بیشتر بر اثر نیروی دافعه خاستگاه همچون فقر و بیکاری و کمتر متأثر از عوامل جاذب شهری، از زادگاه خود یعنی روستا و ایل، رانده شده و به شهر روی می‌آورده‌اند. از آنجا که اکثریت این گروه‌های بی‌سواد بوده و مهارت لازم را جهت جذب در بازار کار شهر ندارند، عامل پس‌ران شهری نیز آنها را از شهر رانده و به حاشیه‌کشانده است. و از سوی دیگر این گونه امکان محل مناسبی برای اختفای خلاف‌کاران و توزیع کنندگان مواد مخدر و اراذل و اوباش است که از ترس دستگیری توسط پلیس و فرار از چنگال قانون در این گونه محلات زندگی پنهانی دارند. و کسانی هم که خلاف کار نیستند به علت درآمد ناکافی و فقدان رشد اقتصادی و فقر فقدان تامین مسکن با تشکیل زاغه‌نشینی به امید فردائی بهتر زندگی‌شان را طی می‌کنند که البته فرزندان این گروه توسط خلاف‌کاران و جیب‌برها و دزدان و توزیع کنندگان مواد مخدر و معتادان جذب می‌شوند و برای تامین معاش و گذران زندگی به سمت و سوی خلاف‌کاران ساکن در این گونه امکان می‌روند و عده‌ای از این افراد کم‌سن و سال، به مرور زمان، تبدیل به خلاف‌کاران حرفه‌ای می‌شوند.

پدیده حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که با رشد شهرنشینی بی‌رویه در جهان و ایران و وجود مهاجرت‌های روستا - شهری شکل گرفته و گسترش یافته است، بنابراین لازم است به مسائل شهر و شهرنشینی به عنوان مبادی رودی بحث مورد توجه قرار گیرد. شهرنشینی پدیده دهه‌های جدید است. هرچند شهر و شهرنشینی کم‌وبیش از هفت هزار سال قبل از میلاد مسیح وجود داشته است، ولی معنای تازه و گسترش فزاینده آن، مربوط به دهه‌های اخیر است. شمار شهرهای با جمعیت بیش از یکصد هزار نفر تا قرن پنجم پس از میلاد، ۶۷ شهر بوده است. این تعداد در چهار قرن

پس از آن تا قرن دهم میلادی به ۷۱ شهر و تا قرن ۱۵ میلادی به ۷۵ شهر رسیده است. یعنی در طول ۱۰ قرن، تنها ۸ شهر به شهرهای با بیش از یکصد هزار نفر جمعیت در جهان افزوده شده است. در حالی که در ۴۰۰ سال اخیر، از قرن شانزدهم تا قرن بیستم، شمار این شهرها از ۷۵ به ۱۴۴ افزایش یافته است که گویای انقلابی در زمینه گسترش شهر و شهرنشینی است. تا سال ۱۹۰۰، از هر هشت نفر تنها یک نفر در مناطق شهری زندگی می کرده، ولی در پایان قرن بیستم، نیمی از جمعیت جهان، شهرنشین شده اند (ابراهیم زاده، نصیری، ۱۳۸۶: ۲۳۳). در نیمه سال ۲۰۰۵، جمعیت جهان ۶۴۷۷۰۰۰۰۰۰ نفر با نرخ رشد طبیعی ۱/۲ درصد بوده است. از این تعداد جمعیت، سهم کشورهای توسعه یافته صنعتی ۱۲۱۱۰۰۰۰۰۰ نفر با نرخ رشد طبیعی، یک درصد بوده است و نسبت شهرنشینی شان ۷۶ درصد بوده است در حالی که سهم کشورهای در حال توسعه ۵۲۶۶۰۰۰۰۰۰ نفر با نرخ رشد طبیعی ۱/۵ درصد و با نسبت شهرنشینی ۴۱ درصد بوده است. برآورده ها نشان می دهد، جمعیت جهان در سال ۲۰۲۵ میلادی همراه با افزایش بسیار اندک جمعیت کشورهای صنعتی ۱۲۵۵۰۰۰۰۰۰ نفر و افزایش قابل توجه آن در کشورهای در حال رشد، ۸۰۱۳۰۰۰۰۰۰ نفر خواهد بود (کارگر، ۱۳۸۶: ۵).

بعد از انقلاب صنعتی، پویای شهرنشینی در جهان، سمت و سوی معینی داشته است. نیروی نهفته در این پویا، ضمن گرایش به تمرکز، موجب باز توزیع جمعیت جهان در مقیاس انبوهی شده است. این جا به جایی اکنون به طرز شگفت آوری جغرافیای جمعیت جهان را دستخوش تغییر نموده است.

شهرنشینی در ایران

در سه دهه گذشته، شهرنشینی، جامعه ایران را دست خوش تحولات زیادی ساخته است. در حالی که خود شهرنشینی با پدیده های دیگری همچون رشد جمعیت، حاشیه نشینی، آلونک نشینی و زاغه نشینی قابل بررسی است. در واقع ایران طی دهه های اخیر، با این پدیده مرتبط به هم یعنی افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی مواجه

بوده است. این دو به صورت متقابل بر یکدیگر تاثیر گذاشته و ترکیب و توزیع جمعیت کشور را تحت الشعاع قرار داده اند. سرشماری سال ۱۳۵۵ نشان می دهد که حدود ۶۵ هزار روستا در ایران وجود داشت که از این تعداد فقط ۱۸ هزار روستا سکنه زیاد داشتند و از این حیث روستاهای ایران پراکنده ترین حوزه جمعیتی در دنیا بودند. در آن ایام جمعیت روستا نشینان بیش از شهرنشینان بود. (۷۰ در صد روستا نشین و ۳۰ در صد شهرنشین). ولی امروزه این آمار جای خودشان را با یکدیگر تعویض نموده اند، یعنی حدود ۷۰ تا ۷۵ در صد در ایران شهرنشین هستند و ۲۵ در صد تا ۳۰ در صد روستاها زندگی می کنند. و به علت وجود امکانات فرهنگی و بهداشتی و درمانی و دانشگاهی و شغل حتی شغل های کاذب مثل دستفروشی و کارگری فصلی و جذابیت شهرنشینی روز به روز مهاجرت از روستاها به شهرها بیشتر می شود. البته ناگفته نماند که هجوم روستائیان به شهرها پس از اصلاحات ارضی شکل گرفت. به دنبال اصلاحات ارضی شاه و نابودی کشاورزی و توسعه شهرنشینی، روستائیان که به امید پیدا کردن شغل مناسب به شهرها هجوم آورده بودند، طبقه کارگران روزمزد شهری را به وجود آوردند. اینان که اغلب به صورت مجرد به شهرها مهاجرت کرده و خانواده خود را در روستا باقی گذاشته بودند، با فرهنگ غرب زده شهری که با آن بیگانه بودند، مواجه می شدند و مجبور بودند برای کسب درآمد در ساختمان ها، کارگاهها، دستفروشی، نظافت چپی و رفتگری مشغول شوند. درآمد آنها اگر چه تصور می شد، نسبتاً مناسب است اما اغلب به خاطر تورم سرسام آور، مغلوب هزینه ها می شد. و حتی عده ای از آنها که از زندگی در شهر به ستوه آمده بودند به خاطر غرورشان روی بازگشت به روستا و زادگاه های خود نداشتند و به هر کاری تن می دادند. به قول معروف از یار جدا شده و به قافله نرسیدند. بیشتر حاشیه نشین ها در پایتخت تهران بزرگ در گودها منجمله: گود عرب های و گود زنبور و در گودهای اطراف میدان شوش زندگی می کردند و در سال های ۶۲ و ۶۳ تدبیر خوبی از طرف

مدیران شهری تهران اندیشیده شد. این گود ها تخریب و ساکنان آن را در شهرک چشمه در منطقه غرب تهران پست استادبوم آزادی اسکان دادند.

با توجه به این که یکی از رشته های تحصیلی من نگارنده کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری است و با توجه به تحقیقات و پژوهش هایی که در زمینه های روستا و شهر و جامعه و اقتصاد نفت و دفاع مقدس به خصوص شهرهای جنگ زده کشورمان، در مقالات و کتاب های مختلف چاپ و منتشر کرده ام، و در حال حاضر نیز عضو جامعه مهندسان شهرساز ایران به شماره عضویت ۲۳۴-۲۲ می باشم و در دانشگاه آزاد اسلامی نیز تدریس می کنم، ضرورت نگارش و تدوین این کتاب را در خود احساس نمودم. ضمن این که از سال ۱۳۴۷ (۴۷ سال قبل)، که دانشجوی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی در تهران شدم، در پایتخت سکنا گزیدم و از همان دوران دانشجویی نیز در روزنامه کیهان به شغل خبرنگاری مشغول شدم و علاوه بر خبرنگاری و روزنامه نگاری تجربه فعالیت در زمینه مدیریت شهری را نیز دارا هستم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی شهردار بندرامام خمینی (بندر شاهپور سابق) شدم و نام بندرامام خمینی را من به استانداری خوزستان و وزارت کتا" پیشنهاد دادم که بلافاصله مورد تصویب قرار گرفت. همچنین در شهرداری های آبادان، اروندکنار، پاکدشت، ورامین و شورای اسلامی شهرآبادان سمت های مختلف نیز داشته ام. با توجه به تحصیلاتم در این رشته و تجربیات کاری ام به عنوان روزنامه نگار و مشاغل مدیریت شهری، چون ضرورت توجه مبرم و بنیادی به شرایط جغرافیائی، ساختار اجتماعی - اقتصادی و کالبدی و فضاهای شهری، با توجه به این که تحولات شهری دوره تکاملی خود را در کشور های جهان سوم یا در کشور خودمان چگونه پشت سر گذاشته اند و خواهند گذاشت، بیش از پیش به این یقین رسیدم که نیاز جامعه امروز ما این است که مدیران شهری، اعضای شوراها و شوراهای اسلامی شهرها و نمایندگان مجلس شورای اسلامی نگاه جدی تری نسبت به معضلات حاشیه نشینی در تهران و کلانشهرها داشته باشند و در حل آن بیشتر از گذشته کوشا و جدی باشند.

در عین حال ایجاد تعادل اقتصادی - اجتماعی و کالبدی داخل شهرها در قالب برنامه ریزی شهری، روابط سالم فرهنگی و اجتماعی، توسعه اقتصادی، سازماندهی فضائی، عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست شهرها، این امکانات را فراهم می‌کند. که دورنمای توسعه پایدار آینده شهری به ناکجا آباد ختم نشود.

امیدوارم این کتاب با تمام کمی و کاستی هایش مورد استفاده خوانندگان گرامی بالخصوص دانشجویان رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری قرار بگیرد. من با وجودی که مرز ۶۵ سالگی عمرم را پشت سر گذاشته‌ام اما همچنان شیفته و عاشق مداد و کاغذ هستم. در مداد پنج خاصیت وجود دارد که اگر به دست شان بیاوری تمام عمرت به آرامش می‌رسی.

۱- می‌توانی کارهای بزرگ کنی اما نباید هرگز فراموش کنی دستی وجود دارد که حرکت تو را هدایت می‌کند اسم این دست خداست، او باید تو را همیشه در مسیر اراده اش حرکت دهد.

۲- گاهی باید از آنچه می‌نویسی دست بکشی و از مدادتراش استفاده کنی. این باعث می‌شود، مداد کمی رنج بکشد اما آخر کار توکش تیزتر می‌شود، پس بدان که باید رنج‌هایی را تحمل کنی چرا که این رنج باعث می‌شود انسان بهتری شوی.

۳- مداد همیشه اجازه می‌دهد برای پاک کردن یک اشتباه از پاک کن استفاده کنیم. بدان تصحیح یک کار خطا، کار بدی نیست و در واقع برای این که خودت را در مسیر نگه داری مهم است.

۴- چوب یا شکل خارجی مداد خیلی مهم نیست، ذغالی که داخل چوب است اهمیت بیشتری دارد. پس همیشه مراقب باش درونت چه خبر است؟

۵- و سرانجام مداد همیشه اثری از خود به جا می‌گذارد و بدان هر کاری در زندگی می‌کنی ردی به جا می‌گذارد و سعی کن نسبت به هر کاری که می‌کنی هوشیار باشی و بدانی چه می‌کنی.

دعا می کنم و از پروردگار یکتا می خواهم تا آخر عمر قدرتی به دستم بدهد تا بتوانم همچنان مدد به دست بگیرم و آن را بر روی صفحات سفید کاغذ به حرکت در آورم تا یادگاری از خودم برای آیندگان بگذارم.

در این جا بر خود لازم و واجب می دانم از اساتید بزرگوارم در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری: خانم دکتر لیلا ابراهیمی جمتانی — آقای دکتر سید عسگر میرفتح الهی — آقای دکتر کیا بزرگمهر — دکتر میرعلی شفیعی عربی — دکتر مهرداد رمضانی پور — خانم دکتر آمنه حقزاد، تشکر و سپاسگزاری نمایم چون هر چه در رشته جغرافیا و برنامه شهری آموخته ام در محضر این اساتید ارجمند و بزرگوار بوده است.

در پایان نیز از همه معلمان و اساتید بزرگوارم که در طول تصیلات دبستانی و دبیرستانی و دانشگاهی حق معلمی و استادی بر گردن من دارند صمیمانه سپاسگزارم و تا ابد الدهر مدیون آنان هستم.

همچنین از سرکار خانم آسیه نصیری هم دانشگاهی ارجمند که با همکاری یکدیگر مقالات مختلف تحت عنوان ذیل نوشته ایم و در همایش های مربوطه مورد تائید قرار گرفته تشکر می نمایم:

- تاثیر اقتصاد نفت بر رشد اقتصادی در ایران و ایام جنگ تحمیلی

- تاملی بر محیط زیست در تعالیم اسلامی

- تاملی در شهر اسلامی

- بافت های فرسوده مانع توسعه پایدار شهری تهران و کلانشهرها

برای تحقیق و پژوهش و تدوین این کتاب و آشنائی بیشتر با حاشیه نشینان و خلاف کارانی که در این اماکن پیتوته کرده اند به مدت دو هفته با لباس مبدل و به صورت ناشناس در بین مردم حاشیه نشین در سکونت های غیررسمی و آلونک نشین ها در تهران و دو کلانشهر ایران به صورتی شبانه روزی زندگی کردم و از نزدیک با آنان نشست و برخاست نمودم و وضعیت ناهنجار آنان را از نزدیک به خوبی لمس نمودم.

امیدوارم مدیران شهری مملکت مان در پایتخت و کلانشهرها و دیگر شهرهائی که با چنین پدیده ناخوشایندی روبرو هستند هرچه زودتر تدابیری بیندیشند و راهکار اساسی برای حل این معضل ناخوشایند اجتماعی پیدا کنند چون در خور شان جمهوری اسلامی ایران نیست که در مملکت مان حدود ۱۱ میلیون نفر حاشیه نشین داشته باشیم.

تابستان ۱۳۹۴

رضا خدری

استاد دانشگاه

وبلاگ: www.rezakehdrinews.blogfa.com

پست الکترونیک: re.khedrinews@gmail.com